یادداشت میهمان

«انقلاب» با ۱۲۴موشک کروز!

همزمان با سالگرد اغتشاشات و بحران‌سازی آمریکا در ایران تحت عنوان انقلاب، در لیبی سیلی جاری شد که عمق و اَهداف زلزله سیاسی ۱۲سال قبل در این کشور تحت عنوان«انقلاب ۱۷فوریه» و هر انقلاب آمریکایی در هر کشور دیگری را آشکارتر می‌کند:

۱-قبل از سال ۲۰۱۱ آمریکایی‌ها ابتدا با استفاده از حربه مذاکرات و برقراری رابطه، در لیبی نفوذ و با فریبکاری، برنامه هسته‌ای این کشور را برچیدند و همراه با اسناد و سازه‌های مرتبط با برنامه‌های ساخت موشکهای بالستیک سوار بر کشتی به واشنگتن فرستادند و مؤلفه‌های اقتدار و قدرت لیبی را خنثی و تضعیف کردند و به این ترتیب هرگونه مانعی بر سر راه حمله به این کشور را برداشتند!

۲-سال ۲۰۱۱ آمریکا و کشورهای غربی به‌خصوص فرانسه ابتدا با جنگ رسانه‌ای به فکر و باورهای مردم لیبی که از مرفه‌ترین کشورها در آفریقا بودند، حمله و به آنها القا کردند شما بدبخت‌ترین مردم روی زمین هستید و باید با سرنگونی نظام مستقر و اصلاحات داخلی آینده بهتری برای خود بسازید! رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی غربی نیز با تحریک مردم به اعتراضات خیابانی زمینه شورش و جنگ داخلی را تحت عنوان فریبنده«انقلاب» فراهم کردند. غربگرایان و عاملان اغتشاشات نیز در ظاهر فریبنده رهبران انقلاب، به مردم این کشور اطمینان می‌دادند که اگر به جای قذافی بنشینند، لیبی آباد و آزاد می‌سازند و آمریکا متحدی قابل اتکا برای لیبی خواهند بود. اما در کمال تعجب با تشکیل دولت موقت در شهر بنغازی، براساس گزارش رویترز و نیویورک‌تایمز، اوباما در فرمانی سری به سیا توزیع گسترده سلاح در بین آشوبگران تروریست را آغاز و جنگ‌های شهری و بین شهری را در لیبی به راه انداخت. سپس به بهانه مبارزه با تروریسم خود ساخته، مصوبه منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان لیبی را از شورای امنیت گرفت و با سوءاستفاده از این مصوبه و فریب اعضای سازمان ملل و افکار عمومی، حملات خود را به لیبی آغاز کرد. فقط در فاز اول حمله با شلیک ۱۲۴ موشک کروز از سوی زیردریایی‌های آمریکا و بمبارانهای گسترده تمام زیرساخت‌های لیبی نابود و در نهایت در اکتبر ۲۰۱۱ نظام لیبی ساقط و قذافی کشته شد. نکته مهم و قابل تامل اینکه بوش پسر همان زمان بعد از مذاکرات و گرفتن تمام امتیازات از قذافی، روند عملیات طرح سرنگونی او را با این جمله آغاز کرد:«اگر لیبی در پی اصلاحات داخلی باشد، کشوری آزادتر و مرفه‌تر را می‌سازد». نکته مهم‌تر تحولات لیبی این است که تازمانی که قذافی در مقابل آمریکا ایستاده بود آنها نتوانستند سرنگونش کنند،اما همین که او وارد مذاکرات و به اصطلاح تعامل با جهان غربی و دادن همه گونه باجی به آنها شد و به امید نزدیکی با آمریکا روابط خود را با دیگر کشورها از جمله چین و روسیه به حداقل رساند، توانستند سرنگونش کنند، آن هم در زمان اوبامای مؤدب و دموکرات!

۳-«لیبی آزاد شد»،«آزادی بیان مردم لیبی تضمین شد»، «امروز روز پرافتخاری برای مردم لیبی است»، «ساکنان طرابلس هنوز از فرط خشنودی سر از پا نمی‌شناسند»... اینها بعضی از تیترهای رسانه‌ها و تلویزیون‌های غربی است که در همان ساعات اولیه سقوط دولت قذافی منتشر کردند. دبیرکل ناتو که نقش اصلی در وضعیت لیبی کنونی را داشت،گفت «زمان برپایی یک لیبی جدید با دولتی مبتنی بر آزادی و دموکراسی و نه ترس و دیکتاتوری فرا رسیده است». اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا هم در تلویزیون ظاهر شد و گفت: «اکنون آن لیبی‌ای که استحقاقش را داشتید در دسترس شما قرار دارد»! فرانسه نیز در حرکتی فریبنده اجلاسی تحت عنوان «دوستان لیبی» با حضور سران ۶۰ کشور در پاریس برپا کرد و وعده‌هایی همچون کمک در تأمین بودجه را به مردم لیبی داد، در حالی که لیبی خود دارای بزرگ‌ترین ذخائر نفتی آفریقا است!

۴-اکنون قریب ۱۲ سال از آشوب‌ها و اغتشاشات و آن تیترهای رسانه‌های غربی و وعده‌های آمریکایی‌ها برای اقتصاد بهتر و آزادی مردم لیبی می‌گذرد، اما متاسفانه تصاویر فاجعه‌بار سیل در این کشور بیش از هر زمانی برای لیبیایی‌ها دردناک و برای مردم دیگر کشورها عبرت‌آموز است، چرا که جنگ داخلی و غارت نفت لیبی و انهدام کامل زیر ساخت‌ها و فقر و کشته شدن ده‌ها هزار انسان تنها دستاورد«انقلاب آمریکایی ۱۷ فوریه» برای مردم لیبی است که فریب شعارها و وعده‌های فریبنده را خوردند! حال سخنان «آن روز» بوش و اوباما را بگذارید کنار سخنان هیلاری کلینتون و توئیت تحقیرآمیز «امروز» اوباما در پی سیل لیبی که نوشتند و گفتند «اگر می‌خواهید به لیبی کمک کنید، پول‌هایتان را به بنیاد اوباما بدهید- از بابت وضع لیبی هیچ پشیمانی ندارم»! به روی خودشان هم نیاوردند که چه کسی دستور نابودی زیرساخت‌های این کشور و کشتن ده‌ها هزار لیبیایی با شلیک ۱۲۴ موشک کروز تحت عنوان «انقلاب»را داد تا آن کشور مرفه و غنی در سیل امسال دست گدایی‌اش دراز شود! این معنی کشور آباد و آزاد از نظر آمریکایی‌هاست!

۵-قذافی هرچه بود اما لیبی دوران سرهنگ هیچ‌گاه آن جای سیاه و وحشتناکی نبود که رسانه‌های نظام سلطه جلوه می‌دادند،بلکه آن احساس در افکارعمومی عمدتا حاصل کارزار رسانه‌ای-تبلیغاتی- سیاسی و «هیولاسازی» سنگین دولت‌های غربی بود. سرهنگ هرکه بود ولی اکنون ملت لیبی در حسرت حکومت او هستند. در دوران قذافی مردم وام بدون بهره و بیکاران حقوق دوران بیکاری و دانشجویانش ۲۵۰۰ یورو به اضافه هزینه اتومبیل و هر زنی که زایمان می‌کرد، ۵ هزار دلار از دولت هدیه می‌گرفتند. آموزش و بهداشت و قبض برق مردم رایگان بود و جوانانش زمان ازدواج صاحب یک آپارتمان با پرداخت نصف بهای آن از سوی دولت می‌شدند. در دوره قذافی بزرگ‌ترین پروژه آبیاری جهان در بیابان‌های لیبی پیاده شد؛ به گونه‌ای که در هر جای صحرا آب در دسترس بود و نکته مهم این که لیبی به هیچ کشوری در دنیا یا دستگاهی بدهکار نبود حتی یک سنت و افزون بر آن دارای ۱۵۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی بود و بخشی از درآمد فروش نفت را سالیانه به حساب بانکی هر شهروند لیبیایی واریز می‌کرد. نکته مهم‌تر اینکه قذافی تمایلی برای دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که کشورها را به روز سیاه می‌نشاند، نداشت. در زبان ساده‌تر لیبی تنها کشوری بود که قیمت نفت خود را نه به دلار آمریکا و نه به یورو دریافت می‌کرد، بلکه طلا را جایگزین آن کرده بود! اما هیچ کدام از این حقایق برای مردم لیبی بازگو نمی‌شد. چرا؟؛ چون لیبی کشوری ثروتمند با مردمی مسلمان است که بهترین نفت جهان را در اختیار دارد و نظام سلطه به دنبال این نفت بود نه رفاه و آسایش مردم! و متاسفانه قذافی روی داشته‌های کشور و ملت خود حساب باز نکرد و در مقابل فشارهای دشمن مردم لیبی تاب نیاورد و فریب مذاکره و رابطه با آمریکا را خورد!

۶- گاردین قبل از اغتشاشات سال قبل در ایران نوشت «دشمنان ایران در منطقه و خارج از منطقه، مانند کرکس‌هایی که در آسمان بیابان‌ها چرخ می‌خورند، با چشمان باز انتظار طعمه‌ای را می‌کشند و با دقت نظاره‌گر اعتراضات در ایران هستند»! «مردم کوتاه نمی‌آیند»، «تهران در آستانه سقوط»، «میلیونها ایرانی به خیابانها آمدند»، «شوک اقتصادی نزدیک است»، «مردم به بانک‌ها هجوم بردند»، «ایران در آستانه تورم سه رقمی» و..... اینها نیز تیترهای دروغ یک روز رسانه‌های غربی و غربگراهای داخلی در بحران آفرینی سال گذشته در ایران بود. اما چرا انقلاب فضاحت‌بار آمریکایی زن، زندگی، آزادی در ایران مثل لیبی نشد و برعکس پولهای ایران آزاد و در تمام مجامع اقتصادی - سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی از او استقبال شد؟ چون ملت ایران فریب لبخندهای آمریکا را نمی‌خورد و با تکیه بر توانمندی‌ها و جوانانش در مقابل هرگونه باج‌خواهی و زورگویی مقاومت می‌کند. چون خود نه ۱۲۴ بلکه هزاران موشک کروز و بالستیک هایپرسونیک و نقطه‌زن دارد! و در یک کلام چون این سطح درک و فهم بالای ملت ایران از تحولات منطقه‌ای و جهانی است که اجازه نمی‌دهد ایران لیبی و یا سوریه و یا افغانستان شود، چراکه «الناس علی دین ملوکهم» و «اَلنّاسُ بِأُمَرائِهِمْ اَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبائِهِمْ»، که می‌فرمایند«آمریکا شیطان بزرگ است و هیچ غَلَطی نمی‌تواند بکند»...«اگر مقاومت کنید قله را فتح خواهید کرد»...«در تحول جهانی آمریکا ضعیف شده و ضعیف‌تر هم می‌شود»... «آمریکا و تحریم‌ها نمی‌توانند ایران را متوقف کنند»...به قول آن افسر سیا که مجبور شد در مجله آمریکایی فارین افرز اذعان کند «رهبر ایران با سیاست مستقلش توانسته بقای انقلاب را در برابر دشمن اصلی آن یعنی ایالات متحده تضمین و غرب آسیا را پس از ۴۴ سال تحریم به منطقه قدرت مسلط ایران تبدیل و با حضور در آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی اقتصاد ایران را شکوفا کند».

۷- به یک خبر توجه کنید: صندوق بین‌المللی پول چند روز قبل اعلام کرد ژاپن و یونان بدهکارترین کشورهای جهان در سال ۲۰۲۲ و آمریکا با «۳۳ تریلیون دلار هجدهمین دولت بدهکار جهان هستند و بدهی بین‌المللی ایران از ۱۳۲ کشور کمتر و طی دو سال فعالیت دولت سیزدهم ۳۰ درصد کاهش داشته و رتبه ایران در رده‌بندی جهانی بدهی دولت‌ها ۹ پله بهبود داشته است. این اذعان خودشان است. اگر همین آمار را ملاک تحریک مردم و شورش و اغتشاش قرار دهیم آیا آمریکا و ۱۳۲ کشور دیگر از جمله فرانسه و انگلیس قبل از ایران سزاوارتر نیستند تا در آنها «انقلاب براندازی» صورت گیرد؟!

دکتر محمدحسین محترم

واکنش آمریکا به اظهارات امیرعبداللهیان درباره طرح ژاپن

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به سؤالی درباره سخنان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران درخصوص ابتکار عملی که ژاپن برای احیای مذاکرات هسته‌ای ایران پیشنهاد داده، پاسخ داد.

«متیو میلر» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا شامگاه سه‌شنبه طی نشست خبری در مقر این وزارتخانه به سؤالی درباره سخنان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران درخصوص ابتکارعمل ژاپن برای احیای مذاکرات هسته‌ای ایران پاسخ داد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا از این ابتکارعمل آگاه هستید و آیا با شما هماهنگ شده است، گفت: از این ابتکار خاص آگاهی ندارم. مطمئن نیستم این نظرات به چه چیزی اشاره دارد.

وی افزود: «همان‌طور که قبلاً گفته‌ایم، می‌گویم معتقدیم دیپلماسی بهترین راه برای اطمینان از این است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نمی‌یابد. این موضع تغییر نکرده است».

«حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگوی یکشنبه با خبرگزاری «کیودو» ژاپن تصریح کرد توکیو طرحی را برای ازسرگیری و احیای مذاکرات هسته‌ای ایران پیشنهاد داده است. وی افزود هرگونه طرحی از سوی ژاپن که هم‌راستا با «منافع ایران» باشد، از سوی جمهوری اسلامی مثبت تلقی خواهد شد.

امیرعبداللهیان همچنین اظهار داشت: «از نقش سازنده ژاپن در احیای توافق هسته‌ای حمایت می‌کنیم». او اما به جزئیات طرح ژاپن برای احیای مذاکرات هسته‌ای اشاره‌ای نکرد.

میلر در بخش دیگری از سخنانش در پاسخ به سؤالی درباره احتمال ازسرگیری گفت‌وگوها برای «احیای برجام» بار دیگر مدعی دیپلماسی شد و با اتهام‌زنی علیه برنامه هسته‌ای ایران گفت: همیشه به صراحت اعلام کرده‌ایم متعهد به اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستیم و ترجیح می‌دهیم به نگرانی‌های خود درباره برنامه هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی رسیدگی کنیم.

این مقام آمریکایی سپس مدعی شد اگر ایران می‌خواهد فضا را برای دیپلماسی با آمریکا مهیا کند، باید گام‌هایی برای تنش‌زدایی در مورد برنامه هسته‌ای خود بردارد.

وی در ادامه ادعاهای خود افزود: «فقط در چند هفته گذشته، شاهد انجام اقداماتی از سوی ایران برای تضعیف توانایی آژانس اتمی برای انجام کار خود بوده‌ایم. بنابراین اگر ایران واقعاً در برداشتن گام‌های کاهش تنش جدی است، اولین کاری که می‌تواند انجام دهد، همکاری با آژانس اتمی است».

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اضافه کرد: «گام‌هایی که درباره آن صحبت می‌کنیم به عنوان مقدمه‌ای بالقوه برای از سرگیری مذاکرات ایران و آمریکا، خواه مستقیم یا غیرمستقیم، به برنامه هسته‌ای ایران مربوط می‌شود».

این ادعاها در حالی است که وزیر امور خارجه در حاشیه هفتاد و هشمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک توضیح داد: اگر طرف آمریکایی از برخورد چندگانه دست بردارد و نیت و اراده واقعی خودش را نشان دهد، دستیابی به یک توافق برای بازگشت همه طرف‌ها به برجام و لغو تحریم‌های ایران دور از دسترس نیست.

مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۸ زمانی به بن‌بست رسید که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور وقت آمریکا علی‌رغم پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مفاد برجام، این توافق را به صورت یک‌جانبه ترک کرد و سیاست فشار حداکثری علیه ایران را در پیش گرفت.

از طرف دیگر، اروپایی‌ها هم به تعهدات خود برای جبران خروج آمریکا عمل نکردند، جمهوری اسلامی ایران بعد از یک سال صبر راهبردی، در نهایت پنج گام را در چارچوب بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام و در راستای کاهش تعهدات برجامی برداشت.

آخرین دور مذاکرات رفع تحریم‌های وین مردادماه گذشته در وین برگزار شد اما بعد از آن دچار وقفه شده است تحلیلگران می‌گویند برخی عوامل مانند فشارهای رژیم صهیونیستی، اختلافات با کنگره و مشکلات داخلی در آمریکا دلیل بی‌میلی دولت بایدن برای بازگشت به برجام در ماه‌های گذشته بوده است.

کشورهای غربی از طریق به راه‌انداختن جنگ رسانه‌ای-تبلیغاتی طی ماه‌های گذشته در تلاش بوده‌اند مقاومت ایران برای پافشاری درخصوص منافع این کشور را بشکنند.

به گزارش فارس جمهوری اسلامی ایران راستی‌آزمایی رفع تحریم‌ها، اخذ تضمین درخصوص ماندگاری برجام و رفع ادعاهای پادمانی آژانس اتمی را اصلی‌ترین مطالبه خود در مذاکرات رفع تحریم‌ها قرار داده و تأکید کرده که تنها بازگشت به قرارداد دوجانبه‌ای که در ازای برخی محدودیت‌ها نفع ملموس اقتصادی برای ملت ایران به همراه داشته باشد را منطقی می‌داند و آن را می‌پذیرد.

دیدار رئیس سازمان انرژی اتمی در وین با نمایندگان هیئت‌های برزیل، چین و ونزوئلا

رئیس‌سازمان انرژی اتمی در حاشیه شصت‌وهفتمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین با نمایندگان هیئت‌های برزیل، چین و ونزوئلا دیدار و گفت‌وگو کرد.

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران که به وین سفر کرده با هیئت نمایندگان برزیل، چین و ونزوئلا در وین دیدار و گفت‌وگو کرد.

در دیدار معاون رئیس جمهور با هیئت نمایندگان برزیل بر لزوم توسعه همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید شد.

با توجه به سابقه طولانی و نیز تنوع فناوری هسته‌ای در ایران و برزیل، زمینه‌های مناسبی برای گسترش روابط در حوزه‌های مختلف صنعت هسته‌ای بین این دو کشور وجود دارد.

محمد اسلامی و هیئت همراه همچنین با نمایندگان هیئت‌های چین و ونزوئلا دیدار و گفت‌وگو کردند.

اسلامی و معاون سازمان انرژی اتمی چین (CAEA) درخصوص ساخت نیروگاه‌های اتمی، بحث و تبادل نظر کرده و در این ملاقات طرفین بر ضرورت همکاری‌های دوجانبه و توسعه هرچه بیشتر روابط بین ایران و چین و نیز ضرورت مقابله با یک‌جانبه‌گرایی تأکید کردند.

رئیس‌سازمان انرژی اتمی همچنین در حاشیه نشست آژانس با خانم «گابریلا خیمنس» وزیر امور انرژی ونزوئلا دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار راه‌های توسعه همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف پزشکی هسته‌ای از جمله تامین رادیوداروهای تشخیصی و درمانی و نیز تجهیزات پزشکی هسته‌ای مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و وزیر امور انرژی ونزوئلا راه‌های توسعه روابط دو کشور در حوزه پزشکی هسته‌ای را بررسی کرده و در مواردی به توافق رسیدند.

به گزارش فارس، اسلامی پیش از این هم با رئیس‌روس اتم دیدار کرده بود. رئیس‌سازمان انرژی اتمی در این سفر ضمن شرکت در کنفرانس عمومی آژانس و ایراد سخنرانی در این نشست با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم دیدار و گفت‌وگو کرده بود.

کنعانی به دولت و مردم عراق تسلیت گفت

سخنگوی وزارت امور خارجه در پی حادثه آتش سوزی در استان نینوای عراق و کشته و مجروح شدن شهروندان عراقی به دولت و مردم این کشور تسلیت گفت و آمادگی بخش‌های بهداشت و درمان ایران برای کمک به آسیب‌دیدگان را اعلام کرد.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران چهارشنبه پنجم مهرماه در پی کشته و مجروح شدن جمعی از شهروندان عراقی در حادثه آتش سوزی شب گذشته در منطقه الحمدانیه استان نینوای عراق به دولت و مردم کشور دوست و برادر عراق به ویژه خانواده قربانیان تسلیت گفت.

وی آمادگی بخش‌های بهداشت و درمان ایران برای مساعدت به آسیب‌دیدگان این حادثه را اعلام کرد.

استاندار نینوا در پی وقوع آتش‌سوزی شب گذشته در یک تالار عروسی در شهرک الحمدانیه واقع در استان نینوا اعلام کرد که بر اثر این آتش سوزی ۱۱۴ نفر کشته و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شدند.

هلال احمر عراق هم اعلام کرد که در پی این حادثه ۴۵۰ نفر کشته و زخمی شده‌اند.

برخی منابع غیررسمی نیز شمار قربانیان را ۱۲۰ کشته و بیش از ۳۰۰ زخمی اعلام کردند.

«نجم الجبوری» استاندار نینوا در همین ارتباط یک هفته عزای عمومی اعلام کرد.

به گزارش فارس، سازمان دفاع مدنی عراق دلیل آتش‌سوزی را بر اساس اطلاعات اولیه به دست آمده و ویدئویی که در دست است، استفاده از وسایل آتش بازی در مراسم عراقی و گسترش دامنه آن اعلام کرده است.

خبر ویژه

روزنامه سازندگی بازنشستگی «نیلی» را اخراج جا زد!

ادعای اخراج مسعود نیلی از دانشگاه صنعتی شریف، توسط خود وی تکذیب شد. مسعود نیلی در واکنش به ادعای روزنامه سازندگی تصریح کرد که ادعای خانه‌نشینی اجباری درست نیست و او بازنشسته شده است.

روزنامه سازندگی ارگان حزب کارگزاران اخیرا در تیتر نخست خود با عنوان خانه‌نشینی اجباری، مدعی شده بود که مسعود نیلی (دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی در دولت روحانی) از هیئت علمی دانشگاه شریف اخراج شده و این حکم را چند نفر ازجمله محمد مخبر معاون اول رئیس‌جمهور امضا کرده‌اند. سازندگی در عین حال در گزارش خود، این ادعا که مسعود نیلی از بانیان وضعیت فعلی اقتصادی دولت را رد کرده بود.

روزنامه سازندگی درپی انتشار گزارش القایی خود، دیروز از قول نیلی نوشت که تعبیر خانه‌نشینی اجباری وی، صحیح نیست.

این روزنامه نوشت: «گزارش دیروز روزنامه درباره بازنشستگی مسعود نیلی، واکنش‌های زیادی را به‌دنبال داشت. در مهم‌ترین واکنش، یک مقام مطلع به سازندگی اطلاع داد که، معاون اول رئیس‌جمهوری هیچ صورتجلسه‌ای مرتبط با حکم بازنشستگی دکتر نیلی را امضا نکرده است. از سوی دیگر، مسعود نیلی نیز در مطلبی که برای سازندگی ارسال کرد، توضیح داد که تعبیر «خانه‌نشینی اجباری» درباره وضعیت او صحیح نیست.

روزنامه سازندگی به جزئیات تازه‌ای از نشست هیئت‌امنای دانشگاه شریف درباره بازنشستگی مسعود نیلی دست یافته است. نخست اینکه، هیئت‌امنای دانشگاه شریف هیچ تصمیمی درباره بازنشستگی مسعود نیلی نگرفته اما حکم تمدید تدریس او را امضا نکرده است. به عبارتی، هیئت‌امنای دانشگاه، مرجع تصمیم‌گیری درباره تمدید فعالیت اساتید است و مرجعی برای امضای حکم بازنشستگی اساتید نیست.

گفته می‌شود در جلسه‌ای که پیشنهاد تمدید تدریس مسعود نیلی با مخالفت وزیر علوم مواجه شده، معاون اول رئیس‌جمهوری حضور نداشته و محمد مخبر با محروم کردن دانشگاه از حضور اساتید سرشناس موافق نیست. آقای مخبر، یکی از اعضای هیئت‌امنای دانشگاه شریف است و گفته می‌شود در نشستی که دیگر اعضا با تمدید حکم تدریس مسعود نیلی مخالفت کرده‌اند، معاون اول رئیس‌جمهوری حضور نداشته است.»

مسعود نیلی هم در توضیحاتی که برای روزنامه سازندگی ارسال کرده، نوشت: «در ارتباط با تیتر یک شماره سوم مهر شما، لازم دیدم توضیحاتی را به اطلاع خوانندگان محترمتان برسانم. همان‌طور که در کانال تلگرامی‌ام در تاریخ ۳۰ شهریور اطلاع‌رسانی کردم، براساس مقررات، موعد بازنشستگی من به‌طور طبیعی، ۲۵ دی سال گذشته سر می‌رسید. مسئولان محترم دانشگاه از آنجا که بنا داشته‌اند برای اینجانب و تنی چند از دیگر همکاران با شرایط مشابه، از هیئت‌امنای دانشگاه درخواست تمدید کنند، ابلاغ بازنشستگی را تا تشکیل جلسه نهاد مذکور به تعویق انداخته‌اند».

نیلی افزود: «پیشنهاد دانشگاه، از سوی هیئت‌امنا مورد موافقت قرار نگرفته و در نتیجه، از تاریخ ۳۱ مرداد سال جاری، بازنشسته شده‌ام. تا آنجا که اطلاع دارم، این تصمیم منحصر به شخص من نبوده و به‌صورت یکسان به اجرا درآمده است. به هر حال، از آنجا که بازنشستگی امری محتوم و متعارف در نظام اداری دانشگاهی است، نمی‌توان در مورد آن، تعبیر خانه‌نشینی اجباری را به کار برد».

حالا هم دیر نشده؛ ثابت کنید که نمرده‌اید!

روزنامه اعتماد در واکنش به اعتراض کیهان مدعی شد در دولت روحانی هم منتقد تثبیت قیمت بنزین و سایر محصولات و خواستار اصلاح و به‌روز کردن قیمت‌ها بوده است.

روزنامه اعتماد به قلم عباس عبدی نوشت: «پس از نوشتن یادداشت «قیمت نان نماد چیست؟» در روزنامه اعتماد، روزنامه کیهان حمله تندی را علیه آن یادداشت و بنده کرد و با ارجاع به وجود چنین وضعی در دوره روحانی نوشته است که «آن سال‌ها احتمالا امثال لیلاز و عبدی مرده بودند که صدایی به هشدار و اعتراض بلند نکردند.» دوستی که این را برایم فرستاد، تعجب کرده بود که چرا علیه تو و لیلاز که همیشه مخالف قیمت‌گذاری در این‌گونه موضوعات بوده‌اید، چنین نوشته است؟ پیشنهاد کرد پاسخی دهم. گفتم که به احتمال قریب به یقین نویسنده محترم کیهان آن‌اندازه آگاه بوده که بداند مواضع من از ابتدای نوشتن در روزنامه سلام در نقد سیاست قیمت‌گذاری دستوری است، بارها علیه قیمت‌گذاری ارز و حتی یک‌بار علیه قیمت‌گذاری رُب گوجه‌فرنگی هم نوشتم. لذا نیازی به پاسخ ندارد و بالطبع نظر مرا آگاهانه قلب واقعیت کرده‌اند، زیرا چون نمی‌توانستند منطق یادداشت را پاسخ دهند به موضوع دیگری پرداخته‌اند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت که فرض کنیم‌اشتباه کرده‌اند باید پاسخ داد که در آن زمان هم من زنده بودم و هشدار دادم و اعتراض هم کردم ولی آن زمان نویسنده محترم کیهان بیدار نبود که آنها را بشنود. البته آن زمان تفاوت قیمت نان این‌اندازه حاد نشده بود. آنچه حاد شد، قیمت بنزین بود که بارها هشدار می‌دادیم ولی تصمیم‌گیران کشور از ترس کیهانیان اقدامی نمی‌کردند. یک‌بار هم که در آبان ۱۳۹۸ اقدام کوچکی کردند چنان رودستی از آنان خوردند که برای همیشه پشت دست خود را داغ کردند که دنبال اصلاح قیمت‌ها بروند. با این همه آن دولت آن‌اندازه مسئولیت‌پذیری داشت که در سال ۹۹ قیمت نان را بیش از ۱۰۰ در ۱۰۰ افزایش داد ولی این دولت تاکنون که بیش از ۱۵۰ درصد تورم داشته است به‌طور رسمی اقدامی نکرده و شکاف قیمتی بسیار زیاد شده است. پس چرا کیهان این را نوشته؟ هدف آنان در درجه اول، قانع کردن مخاطبان‌اندک خود است و این‌که خلاصه ما زنده‌ایم و حرف داریم. آن مخاطبان نیز مطالب دیگران و ما را نمی‌خوانند که پاسخ به آنان دهم.

ولی از حیث منطق نوشتاری آنان دو نکته را متذکر می‌شوم.

۱ـ در دو دهه گذشته در تمام دولت‌ها با فاصله قیمتی کالاها مخالف بوده‌ام البته از انتقال واقعی (و نه صوری مثل سال ۱۳۹۸) تفاوت قیمت‌ها به همه مردم و نه فقط اقشار فقیر، دفاع کرده‌ام. ولی اکنون این تفاوت قیمت در همه حوزه‌ها به ویژه نان و انرژی خیلی زیاد شده و این به زیان مردم است ولی چون اعتماد متقابل میان دولت و مردم نیست جرات انجام آن را ندارند.

۲- فرض کنیم که من و افراد دیگر در دولت گذشته در این باره موضع‌گیری نکرده باشیم. خب در صورت اثبات، این فقط یک ضعف ماست، ولی اگر حرف‌های امثال بنده درست است چرا الان اجرا نمی‌کنید؟ به علاوه چرا خود شما نمی‌گویید، این‌که خیلی بدتر است. اگر در گذشته هم نگفته‌اید کار بدی کرده‌اید و اگر الان هم نمی‌گویید کار بدتری می‌کنید. البته اگر منطق آن غلط است، ایرادی ندارد آن را نقد و رد کنید. قطعا نمی‌توانید رد کنید، علت حمله به آن یادداشت و طرح موضوعی انحرافی نیز همان منطق درست آن بود.

بنده برخلاف شما تعهد می‌دهم که در اصلاح قیمت‌ها از دولت حمایت کنم، به شرطی که مابه‌التفاوت آن به جیب مردم و همه مردم برود و نه به جیب دولت برای جبران کسری بودجه. نه مردم را تحریک خواهم کرد و نه اعتراضی می‌کنم، آن‌گونه که شما در آبان ۱۳۹۸ چنان کردید. متعادل شدن قیمت‌ها به سود همه است، به شرطی که دنبال خالی کردن جیب مردم و پر کردن بودجه دولت نباشیم»

پاسخ کیهان:

۱) در اعتماد به نفس روزنامه اعتماد و نویسنده آن همین بس که حاضر نشده‌اند از ۱۵۰۰ کلمه خبر و تحلیل مستند کیهان (با عنوان: تحلیل‌های اقتصادی تحریف‌آمیز بدون ذره‌ای صداقت، ۲۹ شهریور ۱۴۰۲) لااقل یک یک پاراگراف آن را منتشر و سپس تخطئه کنند! کیهان در آن تحلیل خطاب به گردانندگان اعتماد -که عادت کرده‌اند موضوعات اقتصادی را وارونه روایت نمایند و در قبال میراث اقتصادی فاجعه بار، فرار به جلو کنند- نوشته بود:

«دولت رئیسی در وسط میدان مین‌گذاری شده از سوی دولت سابق، در حال فعالیت و پیشرفت است. نشان به آن نشان که همین روزنامه اعتماد و نویسنده سیاست‌باز بی‌صداقتش، دست کم و فقط درباره میراث قیمت‌گذاری ۴۰۰ تومانی برای دلار، این موضوع را به طعنه و کنایه، «استخوان در گلوی دولت (رئیسی)» و «دو پوست موز (حذف یا ادامه) زیر پای دولت» خواندند. در اثر همین سوءمدیریت‌ها، از یک‌طرف ده‌ها میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی حیف و میل شد اما آن سال‌ها احتمالا امثال لیلاز و عبدی مرده بودند که صدایی به هشدار و اعتراض بلند نکردند وگرنه انسان زنده و شرافتمند و باوجدان که خبط و جنایت یک دولت را به دولت بعدی نسبت نمی‌دهد و بعد از گذشتن از کار طلبکار نمی‌شود! در اثر آن بی‌تدبیری بالغ بر ۴۵ هزار میلیارد تومان رانت به رانت‌خوران داده شد. مشابه همین سوء تدبیر در ماجرای تثبیت ۴ ساله قیمت بنزین (بلکه قالب کردن برجام) برخلاف قانون افزایش سالانه قیمت انجام شد که خسارتی دست کم ۱۴۴ هزار میلیارد تومانی ناشی از قاچاق و افزایش بی‌رویه مصرف را در پی داشت و پس از آن که خزانه دولت به ته دیگ خورد، با تصمیمی بدتر، ناگهان قیمت را سه برابر کردن که با موج‌سواری دشمنان در آبان ۹۸ مواجه شد».

۲) هر هفته چند تیتر یک یا اصلی روزنامه اعتماد، حمله آمیخته با تحریف به عملکرد دولت رئیسی است. این روزنامه برای اثبات ادعای خود مبنی بر این که در دولت روحانی نمرده بود، کلا ده تیتر صفحه اول خود (نه بیشتر) را بازنشر کند تا نشان می‌دهد منتقد سیاست‌هایی مانند قیمت‌گذاری ۴۲۰۰ تومانی دلار، حراج و تاراج ده‌ها میلیارد دلار ذخائر کمیاب ارزی، واگذاری ۶۰ تن طلا با قیمت‌های رانت‌ساز، ۷ برابر کردن نقدینگی، انتشار ۲۰۰ هزار میلیارد تومان پول بی‌پشتوانه، برجا گذاشتن ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی، بردن سازمان تامین اجتماعی و صندوق‌های زیرمجموعه تا مرز ورشکستگی، تحقیر و تمسخر پالایشگاه‌سازی و نیروگاه سازی و تحمیل محدودیت‌های تورم‌ساز به صنعت در این زمینه، و نهایتا منتقد تحمیل تورم ۶۰ درصدی به مردم در پایان دوره دولت روحانی بوده است.

**۳) تعبیر دو سال قبل نویسنده اعتماد مبنی بر این‌که حذف یا تداوم ارز ۴۲۰۰ تومانی، دو پوست موز پیش پای دولت رئیسی است، به‌اندازه کافی گویاست و این در حالی است که گردانندگان همین روزنامه سه سال قبل‌تر از آن به هنگام تصویب این نرخ، برای آقای جهانگیری و روحانی به خاطر تصمیم مذکور جیغ و هورا می‌کشیدند و حتی یک تیتر انتقادی در مقایسه با حملات بی‌پروا و بی‌سندی که امروز علیه دولت رئیسی مرتکب می‌شوند، نداشتند. همین روزنامه و محافل همسو به جای مطالبه واقعی‌سازی قیمت بنزین و جلوگیری از رانت و قاچاق، دائما مشغول شایعه پراکنی درباره افزایش قیمت بنزین در دوره اخیر و ایجاد التهاب و ترساندن مردم بوده‌اند تا دولت نتواند آنچه به صلاح کشور و مصلحت مردم است را انجام داده و نقطه پایان بر سوء مدیریت هشت سال روحانی (چهار سال ممانعت از افزایش قیمت برای القای شیرینی برجامی، و ناگهان انفجار سه برابری قیمت) بگذارد. آن وقت نویسنده همین روزنامه ادعا می‌کند از اصلاح قیمت‌ها حمایت می‌کند. بسیار خوب! اگر صداقت دارید فقط یگ گزارش تیتر یک تهیه کنید درباره فاجعه‌ای که تیم زنگنه و روحانی در این باره آفریدند و همان جا از دولت رئیسی مطالبه کنید که فساد ریل‌گذاری شده در دولت روحانی را اصلاح کند. هر پیشنهادی هم برای حمایت از مردم داشتید همان‌جا مطرح کنید. در این صورت صداقت شما ثابت می‌شود. اما مسیری که اکنون با طعنه و کنایه و وارونه نویسی و تحریف در پیش گرفته‌اید، و دولت فعلی را به خاطر فاجعه‌ای که دولت روحانی آبان ۹۸ رقم زد، تخطئه می‌کنید، نشان‌دهنده اراده شما برای اصلاح وضعیت در زمینه